



واحد فنی:
مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: سعید غفوری، امید روشنگر
عکس: منا عادل، محمد عباس نژاد، ویرایش عکس: کامبیز نویدی
صفحه خوانی و حرفه‌چینی: همکاران واحد فنی تحریریه

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:
۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۴۶۴
نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار
معاون ضماضم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: زکیه سعیدی
تحریریه: فرزین شیرزادی، سروش جنایی
سمیرا باباجانپور، ثریا روزبهانی، حسن حسن زاده
شهره کیانوش راد، حمید رضا رسولی، بهاره خسروی و
صفورا صادقی



صفحات «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران در روز و قصه‌ها و ماجراهای پس پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست، ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: ۲۲۰۴۶۰۶۷ - ۲۲۲۴۵۵۵۵، mahaleh@hamshahri.org

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

هول و هراسی تهرانی‌ها از سرما



به خانواده صاحب‌عزا یادآوری می‌کردند که تنها نیستند و قصد داشتند با دورهم‌نشینی، غم و غصه را از آن خانه دور کنند و آنها را به زندگی برگردانند. علاوه بر بنشن، وسایل یلدایی هم تدارک می‌دیدند که اگر صاحب‌خانه دل و دماغ پذیرایی نداشت، بارش را سبک کرده باشند. آن روزها اغلب در شب یلدا رشته‌پلو درست می‌کردند، چون می‌گفتند با پخت این غذا، رشته زندگی به دستشان می‌آید. هول و هراس از سرما هم علت دیگری بود که مردم شب چله را گرمی می‌داشتند، چون اعتقاد داشتند اگر شب چله را پشت سر بگذارند، از گرسنگی و سرما نجات پیدا کرده‌اند، چرا که در آن دوران وسایل گرمایشی مناسب، سوخت و مواد غذایی کافی نبود و اغلب در خانه‌ها از زغال برای گرم کردن کرسی استفاده می‌کردند. مردم تهران دل خوشی از سرما نداشتند و پاییز و زمستان برای آنها معنای مرگ و سختی داشت. در گذشته سرما تلخ و سیاه بود؛ طوری که اصطلاح «سر سیاه زمستان» رواج پیدا کرده بود. دمای تهران در روزهای سردی که اصطلاحاً چله‌بزرگ نام داشت به ۱۸ تا ۲۰ درجه زیر صفر هم می‌رسید و زندگی فلج می‌شد.

تهرانی‌ها صبح نخستین روز زمستان را روزی خاص می‌دانستند؛ به همین خاطر تا صبح برای دیدن طلوع خورشید در کنار یکدیگر بیدار می‌ماندند. نصرالله حدادی، تهران‌شناس، درباره این شب‌بیداری و رسم و رسوم دید و بازدید این شب می‌گوید: «تهرانی‌ها شب یلدا را تا طلوع خورشید بیدار می‌ماندند و بعد از اذان صبح، اگر هوا ببری نبود، به بمن این روز، نماز شکر می‌خواندند. آنها اعتقاد داشتند از اول دی‌ماه به بعد، یک‌جوبه روزها اضافه می‌شود و هوا رو به گرمی می‌رود. همچنین شب یلدا در تهران قدیم رسم بود اگر خانواده‌ای عزیزی را از دست داده بود، اقوام آن شب به دیدار می‌رفتند و همراهشان بنشن می‌بردند و با این کار



پذیرایی با مجمعه‌های مسی در عهد ناصری



انجیر و مویز نبود تا این شب آیینی با دورهمی هر چند مختصر برگزار شود و بتوانند با گرمای دورهمی، محفل خود را گرم کنند. البته این مراسم گاه با شاهنامه‌خوانی و تغال حضرت حافظ و گاه با قرائت قرآن شریف مزین می‌شد. برخی خانواده‌ها قصه‌گو و روایت‌گو هم داشتند که مدتی هم به نقل سخن آنان اختصاص پیدا می‌کرد. عکس‌هایی از دوره قاجار به جا مانده است که به دلیل نوع خوراکی‌هایی که در مقابل زنان و مردان قرار داده شده، به نظر می‌رسد مربوط به شب یلدا باشد. البته در عکس‌ها خبری از کرسی نیست و انار و لبو همراه چند خوراکی دیگر در سینی‌هایی چیده شده و مقابل میهمانان قرار دارد. این تهران‌شناس درباره عکس‌های به جا مانده از دوره قاجار می‌گوید: «زنان ناصرالدین شاه در داخل حرمسرا و اندرونی جشن‌هایی برپا می‌کردند و برای پذیرایی هم از خوراکی‌های مرسوم آن روزها استفاده می‌شد. اگر به عکس‌ها دقت کنیم متوجه نوع پذیرایی می‌شویم و اینکه میوه و احتمالاً شیرینی در مجمعه‌های مسی چیده شده است.»

دورهمی در شب یلدا به عنوان یکی از رسم‌های ایرانیان در همه دوره‌ها کم و بیش شبیه به هم برگزار می‌شد و در تهران قدیم هم مردم و درباریان به این سنت پایبند بوده‌اند. داریوش شه‌بازی، تهران‌شناس می‌گوید: «در تهران قدیم همچون دیگر نقاط این سرزمین، آیین ارزشمند «شب چله» برگزار می‌شد و مردم در بلندترین شب سال با انواع میوه‌های خشک که خودشان درست کرده بودند از میهمانان پذیرایی می‌کردند.» در روزگاری که خبری از یخچال و سردخانه عمومی برای نگهداری میوه‌های شب چله نبود، مردم برای ذخیره میوه زمستانی خود چه ترفندی به کار می‌بردند؟

شه‌بازی می‌گوید: «انگور را با آویزان کردن از سقف در اتاقی تاریک نگهداری می‌کردند و خربزه و هندوانه را زیر خاک خشک و محیطی بی‌رطوبت یا در میان کاه قرار می‌دادند؛ البته گاهی همه این زحمات بر باد می‌رفت و میزبان بعد از یکی، دو ماه از خراب شدن هندوانه یا خربزه هنگام مصرف با خبر می‌شد.» در چنین شرایطی چاره‌ای جز استفاده از تنقلات خشک مانند توت،

خدایا به شهر و وطن ما برکت عطا بفرما

بر خلاف سنت اکثریت پایتخت‌نشین‌های قدیم که شب یلدا را نمادی از برکت و فراوانی نعمت می‌دانستند، عده‌ای چنین شبی را باور نداشتند. آنطور که در برخی منابع مکتوب تاریخی آمده، برخی از تهرانی‌نشین‌ها که احتمالاً اصالت تهرانی هم نداشته‌اند، سرمای سوزناک زمستان و تاریکی بلندترین شب سال را اتفاق دلهره‌آوری می‌دانستند و از بیم آسیب دیدن در چنین شبی به درگاه خداوند پناه می‌بردند. اردشیر آل‌عوض، محقق فرهنگ عامه می‌گوید: «عده‌ای که عمدتاً از مهاجران تهران قدیم بوده‌اند، اعتقادشان بر این بود که در چنین شبی باید بیدار ماند. ابوالقاسم انجوی شیرازی در کتاب «جشن‌های زمستانی» نقل می‌کند که در تهران ۱۵۰ سال پیش، هنگام اذان صبح روز اول دی، بعضی از افراد در محله‌ای به پشت‌بام خانه‌ها می‌رفتند و تا طلوع آفتاب دعا و مناجات می‌خواندند. در بسیاری از محله‌های تهران اتاقک‌هایی وجود داشت و «شب‌خوان‌ها» در این اتاقک دعا و مناجات می‌خواندند. شب‌خوان‌ها بعد از طلوع آفتاب، جلو خانه‌ها را بر فروری، آب و جبارو می‌کردند و معتقد بودند هر فردی تا ۴۰ روز این اعمال را انجام بدهد

حاجت‌رو خواهد شد.» آل‌عوض می‌افزاید: «نقل است که در جشن شب یلدا، پس از خوردن شام و نوشیدن چای که دور کرسی انجام می‌گرفت، پدر یا بزرگ‌تر خانواده، کارد بر می‌داشت تا هندوانه را ببرد. آنطور که انجوی شیرازی در کتاب «جشن‌های زمستانی» نوشته، بزرگ‌تر خانواده قبل از بریدن هندوانه دعایی باین مضمون را زمزمه می‌کرد: «خدایا به شهر و وطن ما برکت عطا بفرما. بهاری را که در پیش داریم پر باران، کشت و زرع ما را پر برکت و در ختان بلاغ ما را بارور کن. شهرهای وطن ما را آبادان و بزرگان مملکت ما را بلایا محفوظ بدار. بیماران ما را شفای عاجل مرحمت کن. قرض‌داران را ادا کن. خانواده ما را تا سال آینده از بلایای زمینی و آسمانی محفوظ بدار. کسب و کار ما را رونق و برکت عطا بفرما.» بعد هم اعضای خانواده صلوات می‌فرستادند و بزرگ‌تر خانواده هندوانه را می‌برد.»

انتخاب مکان مناسب به‌ویژه خانه بزرگ‌ترها برای دورهمی شب یلدا یکی دیگر از سنت‌های تهران قدیم بوده که برخی آنها با گذشت زمان بسیار کم‌رنگ شده است.

